دست‌های نه چندان تمیز

جریان پول‌های مشکوک که باعث دستمزدهای عجیب و غریب برخی بازیگران و برهم خوردن معادلات سینما می‌شد با رونق گرفتن تولیدات شبکه نمایش خانگی شروع شد.

داستان این پول‌های کثیف از وقتی شدت گرفت که در شبکه نمایش خانگی سریالی ساخته شد که هزینه‌هایش سرسام‌آور و خارج از عرف بود! در آنجا برای مواردی هزینه می‌کردند که در سیستم سینما تعریف نشده بود و همان دستمزدهای عجیب و غریب بود که توقع بازیگران را برای بازی در کارهای بعدی‌شان بالا برد و اقتصاد سینما را کم‌کم به سمت فروپاشی سوق داد. درواقع از همان روزها کسانی به اسم سرمایه‌گذار وارد شبکه نمایش خانگی و بعدا سینما شدند که اصلا دغدغه برگشت سرمایه نداشتند و پول‌هایی وارد شبکه نمایش خانگی و سینما شد که بعدها معلوم شد از کجا آمده است.

...ن غیرخانوادگی

...کن پای یکی از کشورهای عربی در میان است

...ان نمی‌شد. توی تیتراژ البته یک داده اطلاعاتی دیگر هم ...م و لوگویش کنار نام سرمایه‌گذار درج شده بود. تجربه ...رمایه‌گذاری اصلی فیلم باشد. همین هم شد که دوباره ...نتیجه جالب بود. به جز یک صفحه اینستاگرامی با حدود ...ت‌هایش عبارت «تهیه کننده و سرمایه گذاری در فیلم ...کرده‌اند.

...چیز زیادی عایدمان نشد جز دو نکته! شماره تلفنی که ...یکی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است. نشانی ...http://nebraspicture/» به چشم می‌خورد. با مراجعه ...چراکه سایت هنوز بالا نیامد. عبارتی انگلیسی هم ذکر ...ین یکی از چالش‌ها و ابهامات این سریال شبکه نمایش خانگی است. ابهاماتی که البته محدود به سریال مانکن نیست و بعضی دیگر از آثار این سال‌های این شبکه پرحاشیه هم مبتلای به آن هستند. شفاف نبودن و ابهام هم البته تنها نقد وارد به این شبکه نیست. فارغ از فضای مبهم و خاکستری و غیرشفاف این فضا و دستمزدها و سرمایه‌هایی که در آن رد و بدل می‌شود، مضمون و محتوای سریال‌های این شبکه هم در سال‌های اخیر به شدت محل مناقشه و نقد و حاشیه شده. آثاری مملو از فضای پرزرق و برق زندگی مدرن شهری که عمدتا از ضعف فیلمنامه هم رنج می‌برند اما گویی با دست گذاشتن روی مسائل و موضوعات خط قرمزی و حساس دوست دارند ضعف فیلمنامه را جبران کرده و دوپینگ کنند. موضوعاتی که عمدتا برای خانواده‌های ایرانی، مسائلی چالش و اخلاقی محسوب می‌شوند. همین‌ها هم باعث شده که بعضا تولیدات این فضا دچار ممیزی‌ها و حساسیت‌های افکار عمومی شوند و بعضا در بند ممیزی ارشاد هم گیر کنند. فضایی که شاید عنوان «شبکه نمایش غیرخانوادگی» عبارت مناسب‌تری برای توصیف آن باشد. در این گزارش سعی کردیم بعضی آثار مهم این شبکه را زیر ذره‌بین ببریم و بررسی کنیم.

برند مخدوش شبکه نمایش خانگی

«شهرزاد»، بی‌تردید برند شبکه نمایش خانگی در ایران است. پر بی‌راه نیست اگر بگوییم با این سریال بود که عموم مردم حواس‌شان به شبکه نمایش خانگی جلب شد. البته پیش از شهرزاد، «قلب یخی» و «قهوه تلخ» به عنوان اولین سریال‌های شبکه نمایش خانگی، جاده را صاف کرده بودند تا مخاطبان آثار نمایشی با شبکه‌ای جدید در این رابطه آشنا شوند اما با شهرزاد این شیوه از نمایش، بیش از پیش بین عموم مخاطبان جا باز کرد.

نخستین فصل این سریال سه فصله، آن‌قدر مورد استقبال قرار گرفت و آن‌قدر همه چیز از پیش‌تولید تا تولید و توزیع سر جای خودش بود که می‌رفت برند آسیب‌دیده شبکه نمایش خانگی را احیا کند، اما انگار قرار نبود این شبکه روز خوش به خود ببیند. پس از پایان فصل اول، حاشیه‌ها یکی‌یکی سربرآوردند؛ حاشیه‌هایی که البته اگر در همان زمان توزیع فصل اول هم رو می‌شدند می‌توانستند از موفقیت اولیه سریال جلوگیری کنند. اتهام‌های اقتصادی علیه دو تهیه‌کننده شهرزاد یعنی سیدمحمد امامی و سیدهادی رضوی کار دست سریال داد. البته ابتدای امر، رضوی که سرمایه‌گذار اصلی بود کنار رفت تا سریال با حواشی کمتری ادامه پیدا کند، اما خود امامی هم از این دادگاه به آن دادگاه می‌شد. اتهام‌های او متعدد بود و در این میان، یکی از آنها بیشتر از باقی اتهام‌ها مخاطبان شهرزاد را آزار می‌داد و آن هم اتهام به امامی در رابطه با اخلال در صندوق ذخیره فرهنگیان بود. فرهنگیان مدام بابت مطالبات مختلفشان اعتراض می‌کردند و کسی نمی‌توانست تحمل کند با پول آنها سریالی در ستایش آزادیخواهان و در مذمت قدرت‌طلبان ثروتمند ساخته شود. هر دو تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار شهرزاد سر آخر به دام قانون افتادند و اعتراض‌ها به عوامل سریال بالا گرفت. بسیاری از مخاطبان شهرزاد از همان آغاز فصل دوم آن را تحریم کردند و از عوامل سریال هم خواستند از چنین طرحی که پول مشکوک در تولید آن جاری بوده کناره بگیرند. با این حال شهرزاد، فصل دوم و سومش را هم روانه بازار شبکه نمایش خانگی کرد و در دو فصل بعدی قسمت به قسمت افت کرد. خیلی‌ها کنار رفتن علی نصیریان به عنوان محوری‌ترین بازیگر این سریال را عامل افت کیفیت آن عنوان کردند اما بدیهی بود چنین حاشیه‌هایی هم شهرزاد را از صدرنشینی‌اش بر شبکه نمایش خانگی به زیر کشید.

سریال رقص روی شیشه هم از آثار پرحاشیه شبکه نمایش خانگی بود. مهم‌ترین حاشیه مربوط به شکایت بهرام رادان از عوامل سریال به خاطر بدحسابی و پرداخت نشدن مطالبات بازیگران بود. رادان در توضیح خود درباره این شکایت به مبالغ ناپدیدشده در تولید مجموعه و یك پازل فاسد اشاره کرد

واقعا ممنوعه!

آسیب‌شناسی مسائل روز جوانان و خانواده‌ها بهانه خوبی شد برای این‌که در سریال ممنوعه، صحنه‌هایی ببینیم یا دیالوگ‌هایی بشنویم که کمتر در آثار دیگر دیده‌ایم یا دست‌کم به‌ندرت پیش آمده انواع آسیب‌ها را یکجا در یك فیلم و سریال ببینیم. ممنوعه دقیقا مصداق اسمش عمل کرد و همین فضای باز و رها و بدون قید و بند و فضای جوان‌پسندش باعث کنجکاوی و جلب توجه اولیه برای دیدن این سریال شد. البته ارشاد در معدود موارد نظارتی، به محتوا و مضمون یك سریال شبکه نمایش خانگی ورود کرد و انتشار سریال پس از عرضه سه قسمت متوقف شد. دلیل توقیف ممنوعه، به‌جز کلیت سریال، یکی از سکانس‌های جنجالی و غیراخلاقی آن بود که اعتراض برخی خانواده‌ها را در پی داشت و باعث بروز حساسیت‌هایی در جامعه شد.

از سر گرفتن انتشار ممنوعه البته باعث فروش و اقبال بیشتر مخاطبان شد، اما شاید همه آن مخاطبانی که به دلیل همین حاشیه ایجاد شده و جذابیت‌های ظاهری تماشای این سریال را دنبال می‌کردند هم از کیفیت و ساختار و روند قصه راضی نبودند.

ممنوعه به لحاظ فنی و به‌ویژه در بازیگری هم کم و کاستی‌هایی داشت و برخی بازیگران در حد و اندازه‌های خودشان ظاهر نشدند که یکی از آنها هادی حجازی‌فر بود که ظاهرا با قبول این نقش می‌خواست آن شمایل شکل گرفته از او در فیلم‌های محمدحسین مهدویان را بشکند. او در مصاحبه‌ای با همشهری به‌صراحت اعلام کرد بازی در سریال ممنوعه را فقط به خاطر پولش پذیرفته است.

یکی دیگر از حاشیه‌های ممنوعه به انتقال نام صادق یاری، سرمایه‌گذار اصلی کار بود که اسمش پس از انتشار دوباره سریال از روی جلد دی‌وی‌دی به پشت آن منتقل شد! بهاره افشاری یکی از بازیگران ممنوعه با واکنشی نسبت به این جابه‌جایی در صفحه شخصی اش در فضای مجازی مطلبی نوشت که اشاره به سرمایه‌های مشکوك در شبکه نمایش خانگی کرد: «اگر این سرمایه‌گذار هم مستقل نبود و از آن سرمایه‌گذارانی بود که بعدا می‌فهمیم چه کاره بوده‌اند و برای چه مقاصدی به شبکه خانگی آمده‌اند آن‌گاه باز هم جرأت می‌کردید اسمش را پنهان کنید؟»

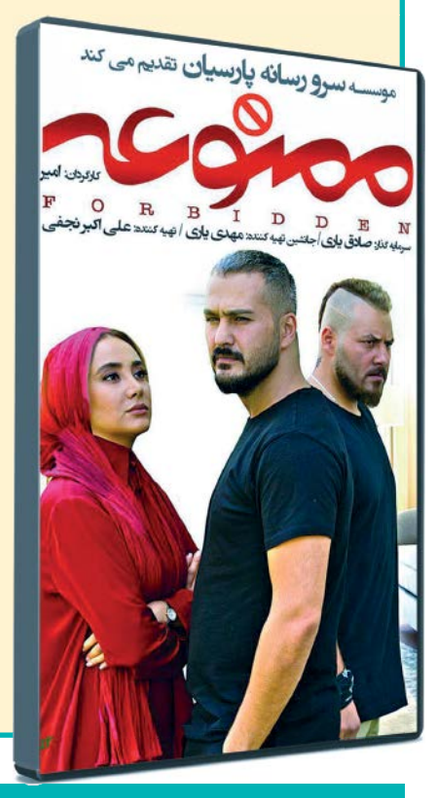

نهنگ قرمز!

اسم‌های فریدون جیرانی و بهرام توکلی و سعید ملکان به ترتیب به عنوان کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده، به طور بالقوه حکایت از اثری جذاب و تماشایی و تاثیرگذار دارد، اما با عرض شرمندگی همکاری این سه سینماگر در نهنگ آبی، چیزی است در حد فاجعه یا اگر بخواهیم کمی خوشبینانه‌تر نگاه کنیم، با سریالی متوسط رو به پایین مواجهیم. سازندگان نهنگ آبی چیزهایی از سریال‌های خوش رنگ و لعاب جهان و موضوعات داغ و ملتهب و نوجوان‌پسند دیده بودند و خواستند آن را با دلنگرانی‌ها و دلواپسی‌های پدرانه و مادرانه و فضای ایرانی ترکیب کنند، اما نتیجه سریال الکن و مبهم و بیهوده و پیچیده‌ای شد که احتمالا دیده باشید. به‌جز شخصیت‌پردازی ضعیف و خام با رفتار و گفتاری غریب و گاهی غیرقابل باور، نهنگ آبی در سبك زندگی هم، عجیب و دور از ملاحظات مرسوم بود و رابطه‌های بدون قید و بند کم نداشت.

نهنگ آبی سریال پرحاشیه‌ای بود؛ اول اعتراض علی احمدزاده، کارگردان فیلم مادر قلب اتمی که معتقد بود سعید ملکان (تهیه‌کننده نهنگ آبی که در فیلم مادر قلب اتمی طراح چهره‌پردازی بود) از کلاه‌گیس و گریم ترانه علیدوستی در آن فیلم برای شخصیت لیلا حاتمی در نهنگ آبی استفاده کرده است. همچنین باید به اعتراض ساعد سهیلی نسبت به ۲۰ دقیقه سریال در یکی از قسمت‌ها اشاره کرد که حسین پارسایی، مدیر وقت دفتر نمایش خانگی آن را نادرست دانست و اعلام کرد بنابر ضرورت و با رعایت مفاد آیین‌نامه نظارت و ارزشیابی دستورالعمل ابلاغی سازمان سینمایی دقایقی از آن با هماهنگی تهیه‌کننده حذف شده است.

اما حتما مهم‌ترین حاشیه نهنگ آبی، جدا شدن لیلا حاتمی، نقش اصلی زن سریال از این طرح بود. این بازیگر دلیل این کناره‌گیری را وعده‌های عمل نشده درباره بازنویسی فیلمنامه و عمق پیدا نکردن شخصیت آناهیتا دانست.

این جدایی ضربه مهلکی به سریال زد و پس از آن تا پایان مشخص است که سازندگان اثر، به هیچ وجه نتوانستند این فقدان را در قصه پر و فکر درستی برای آن کنند و البته اینجا هم پای جناب فیلیمو در میان است، به عنوان یکی از سرمایه‌گذاران نهنگ آبی. اما همه این هیاهوها و بریز و بپاش‌ها نتیجه خوبی نداشت و این اثر با اقبال و فروشی میانه در شبکه نمایش خانگی روبه‌رو شد.

...در عرض

...ست آن هم نه به خاط خودش بلکه به ...ر همین صفحه درباره‌اش نوشته‌ایم. ...نگاه کنید، جز یکی دو مورد، یکی از ...خش می‌شود و در جشن حافظ سال ...گر می‌برد. حتی شخصیت‌های فرعی ...کاملا بیرون از سیر قصه می‌ایستد. ...هر قسمت، سر و کله مظنونی تازه به ...را چندین قسمت ادامه می‌یابد. چه ...ه ادامه می‌یابد. همین باعث می‌شود ...شود.

دندون‌طلا؛ استراحت بدموقع

دو سال بعد، داوود میرباقری با پروژه‌ای به ظاهر جاه‌طلبانه‌تر به شبکه نمایش خانگی بازگشت، این بار با سریالی به نام «دندون‌طلا». آنها که در دهه ۷۰ اهل تماشای نمایش بودند، می‌دانستند که دندون‌طلا یکی از نقاط عزیمت تئاتر ایران در این دهه بود و بسیاری را به سالن اصلی تئاتر شهر کشاند. میرباقری قرار بود همان قصه را با تغییراتی به یك سریال تبدیل کند. قصه، همانی بود که میرباقری به فضاهایش علاقه‌مند بود و این علاقه‌مندی با ترانه‌ها و موسیقی کوچه بازاری فردین خلعتبری، ترکیبی از ایران دهه ۴۰ و ۵۰ ارائه می‌داد. حامد بهداد در این سریال می‌درخشید و آوازهایش در نقش یك آوازخوان تا مدت‌ها دست‌به‌دست می‌شد. دندون‌طلا را این بار نه حرکت در عرض قصه که پایان بد، زمینگیر کرد. قصه داشت درست و به‌قاعده پیش می‌رفت، اما انگار که فیلمنامه‌نویس و کارگردان به ایستگاه پایانی رسیده و ناگهان برای استراحت پیاده شده باشند، دندون‌طلا را در قسمت پایانی رها کردند تا با سر زمین بخورد.

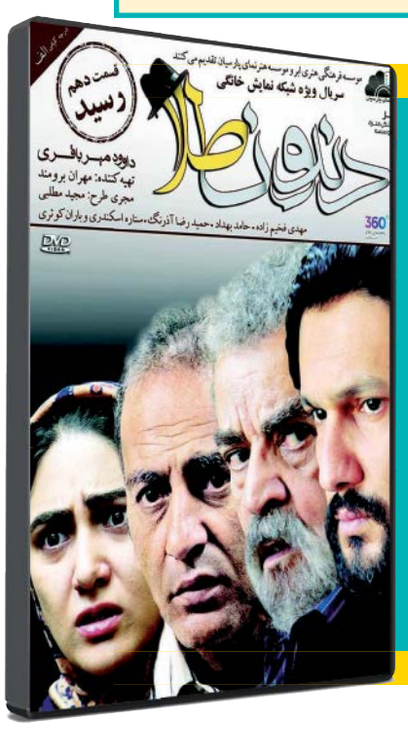

نگاه

سریال‌های مانکنی

سیدرضا صائمی
منتقد سینما

سیدرضا صائمی با انتقاد از سوژه سریال‌های شبکه نمایش خانگی، آنها را به نوعی عبور از خط قرمزها دانست.

او به جام‌جم گفت: بخش‌هایی از «مانکن» را دیده‌ام و کماکان با فضای آن و در کل این طور قصه‌ها آشنا هستم. این نوع سریال‌ها را من به نوعی باج دادن به مخاطب قلمداد می‌کنم؛ چرا که سوژه این سریال‌ها عموما روی خط قرمز و ممنوعه هستند که در تلویزیون و سینما نمی‌توان به آنها پرداخت. به همین خاطر پرداختن به این نوع سوژه‌ها نوعی باج دادن به مخاطب است. سریال‌های شبکه نمایش خانگی معمولا روابط غیرمتعارفی را به تصویر می‌کشند، فیلمنامه‌هایشان تهی هستند و از طریق فضایی پر زرق و برق و تجملی می‌خواهند مخاطب را جذب کنند. در واقع این سریال‌ها متصل به جاذبه‌های فرامتنی می‌شوند که در نتیجه غنا را از آنها می‌گیرد.

او با اشاره به فضای عوام‌زده شبکه نمایش خانگی تصریح کرد: در تمام دنیا تلویزیون به عنوان رسانه‌ای عامه‌پسند شناخته می‌شود که باید ذائقه مخاطبان متنوع را در نظر بگیرد. در این راستا سینما از تلویزیون جدی‌تر و تئاتر از سینما جدی‌تر است. در این میان اما شبکه نمایش خانگی به عنوان یك شبکه بین‌رسانه‌ای دچار عامه‌زدگی شده و بالاخص سریال مانکن به نظرم می‌رسد الگوبرداری دقیقی از سریال‌های ترکیه‌ای است.

صائمی ادامه داد: ممکن است هر چیز ممنوعه‌ای جاذبه داشته باشد، اما این به معنای جذابیت و کیفیت آن اثر نیست. به نظرم باید تفکیکی بین جاذبه صوری و جذابیت متنی قائل شد. اگر به محصولات شبکه نمایش خانگی نگاه جدی‌تری بیندازیم، به روشنی متوجه می‌شویم که سریال‌های خوش‌آب و رنگ شبکه نمایش خانگی الزاما جذاب نیستند و این موضوع اساسا ربطی به ظرفیت این رسانه ندارد. به عبارت دیگر شبکه نمایش خانگی یك بین‌رسانه‌ای است که می‌تواند از ظرفیت‌های هر دو رسانه (سینما و تلویزیون) استفاده کند، بدون این‌که خود را قائل به محدودیت‌های هرکدام از این رسانه‌ها کند.

این منتقد سینما، شبکه نمایش خانگی را عقب‌تر از تلویزیون دانست و افزود: در حال حاضر سریال‌های شبکه نمایش خانگی به لحاظ محتوایی عقب‌تر از تلویزیون است. این شبکه از یك رسانه فرهنگی کم‌کم به یك بنگاه تجاری مبدل شده که دلایل مختلفی از جمله شرایط اقتصادی دارد.

با این توجیه که مردم همین آثار را می‌خواهند! در صورتی که اگر به عقب نگاه کنیم در همین ده سال اخیر فیلم‌های خیلی خوب سینمایی داشتیم که به لحاظ کیفی، هم مورد تایید مخاطب عام بودند و هم منتقدان. به عنوان مثال می‌توانم از فیلم‌های اصغر فرهادی نام ببرم، او در آثارش کم‌فروشی نمی‌کند، باکیفیت کار می‌کند و مخاطب عام را هم جذب می‌کند یا کارهای سعید روستایی که درام‌های تلخ اجتماعی هستند، اما در گیشه بیشتر از فیلم‌های کمدی فروختند. مساله اینجاست که ما در سینمای ایران مخاطب‌شناسی نداریم و این‌که ضعف‌های کیفی آثارمان را ربط می‌دهیم به سطح فکر مخاطبان. شما سریال شهرزاد را با مانکن مقایسه کنید. در هر دو سریال محور اصلی عشق یا بهتر بگویم عشق ممنوعه یا عشق‌های چندضلعی است، اما ببینید همین مفهوم در این دو سریال چقدر متفاوت کار شده.

صائمی یادآور شد: مانکن در هر جایی درست عمل نکرده باشد، در انتخاب اسم بسیار هوشمندانه عمل کرده. خیلی از سریال‌های ما امروز دیگر مانکنی شده‌اند. یعنی صورت و شخصیت‌پردازی‌شان مانکنی، کاریکاتوری و بزك شده‌اند. ما در شخصیت‌های این سریال‌ها عمق نمی‌بینیم و این نقد به خیلی از آثار نمایش خانگی که امروز ساخته می‌شود، وارد است.